

نمای دور، نمای نزدیک

فرهنگ اصطلاحات سینمایی

شهره شیخ حسینی

نما (shot)

نما، مقدار تصویری است که دوربین فیلمبرداری، بدون قطع از یک صحنه می‌گیرد. نما، کوچک‌ترین واحد ساختمانی فیلم است و یک فیلم از نماهای بی‌شمار (۶۰۰ تا ۱۰۰۰) تشکیل می‌شود. نما، به حسب دور یا نزدیک بودن دوربین فیلمبرداری، به انواع گوناگون تقسیم می‌شود:

۱. نمای دور (long shot) یا نمای عمومی

نمایی که دست کم، تمام هیكل موضوع فیلمبرداری و گاهی بیش‌تر را در بر می‌گیرد و نیز نمایی از همه صحنه که از دور گرفته می‌شود. مثل صحنه‌ای از تعقیب و گریز هواپیما و شخصیت فیلم، در فیلم «شمال از شمال غربی» اثر هیچکاک

۲. نمای خیلی دور (Extreme long shot)

نمایی دورتر و ریزتر از نمای دور. برای مثال، اگر نمای دور، یک خانه را نشان دهد، نمای خیلی دور، این خانه را با محوطه اطرافش، مثلاً در وسط صحرا یا جنگل نشان خواهد داد؛ مثل نمایی از فیلم «ارباب حلقه‌ها» نمای اکستریم لانگ جنگجوها

۳. نمای نزدیک: closeup

نما یا تصویر درشتی که دوربین فیلمبرداری، از فاصله نزدیک، از موضوع می‌گیرد. صورت یک شخص، دست‌های یک انسان، کتاب روی میز. یک گلدان گل. مثال: در فیلم «کازابلانکا» (با بازی همفری بوگارت) زن، قادر به کشتن مرد نیست و گریان، رو برمی‌گرداند.

۴. نمای خیلی نزدیک (Extreme close up)

این نما، نمایی است که از فاصله خیلی نزدیک سوژه فیلمبرداری می‌شود. در این صورت، فقط بخشی از آن دیده می‌شود و یا بخشی از آن بسیار بزرگ به نظر می‌آید. چنین نمایی اگر از بازی‌گری فیلمبرداری شود، تنها بخشی از چهره، برای نمونه، چشم یا دهان او را نشان می‌دهد.

مثال: فیلم سرگیجه: نمایی که تغییر آرایش اجزای دست و صورت مادالین جودی را شاهدیم.

۵. نمای از روی سرشانه: The _ shoulder _ shot

نمایی که معمولاً در صحنه‌های گفت‌وگو به کار می‌رود. به این ترتیب که دوربین، از بالای شانه و پشت یکی از دو طرف، صورت یا نیم تنه طرف مقابل او را نشان می‌دهد. این کار در ضمن، گفت‌وگوی آن دو به طور متناوب تکرار می‌شود.

مثال: فیلم «بدنام» (هیچکاک) نمای گفت‌وگوی آلیشیا و دولین پس از مهمانی

۶. نمایی که با دوربین متحرک (سوار بر ارابه یا روی ریل و غیره...) گرفته می‌شود.

مثال: «پدر خوانده» (ژن کورلونه) جوان، کارش را از دست داده و از بازار عبور می‌کند. منابع:

۱. فرهنگ کامل فیلم؛ «آیرا کینگز برگ» با ترجمه رحیم قاسمیان.

۲. فرهنگ واژه‌های سینمایی؛ پرویز دواپی.

